

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: محمد رحیم افضلی

۱۹ جون ۲۰۱۱

پاکستان

عمق ستراتیژی منطقه ئی انگلیسها در انتقام از

افغانستان

۱

مقدمه:

خوانندگان عزیز سلام:

عنایت داشته باشید که اینجانب برادر کوچک شما به عنوان فرزندی از تبار آن دیار همواره با مصیبت، فقر، تعصب، محرومیت، جنگ، تجاوز، دفاع، جهاد و هجرت ناشی از دسایس دشمنان اسلام و استقلال ملی اسلامی، همچون شماها از کابل گرفته تا هرات، مزار، قندهار، اسلام آباد، پشاور، کراچی، کویت و کشمیر در یک جمله تا رود سند شاهد رنج و درد درمان ناپذیری بوده و هستم که بی‌گناه متهم و بدون سؤال شکنجه و بی‌محکمه محکوم شده و به مسلخ عشق نیکو کاران مخلص و مخلصان به دین و خاک و ناموس ملی خود ذبح گردیده و تحولات بس بزرگ تاریخی را در تاریخ این منطقه رقم زده‌ایم!

آری:

اگر غیر از این بوده و یا است، وجود این همه زاد و ولدها، رفت و آمدها، ازدواج‌ها، خانه‌ها و ده‌ها فعل و انفعالات گذشته و حال فی مابین مردم افغانستان و پاکستانی‌ها به خصوص پشتون‌ها در دو طرف مرز به نام دیورند چیست؟! و چه کسی آنرا این چنینی رقم زده است؟! و چرا تا هنوز ادامه دارد؟! که نه خودشان برایشان تصمیم متناسب به زمان را گرفته می‌توانند و نه دیگران تو فیق و توانمندی تصمیم‌گیری برای آنها را دارند!

در حالیکه رابطه و احترام متقابل، دوستی و محبت طبیعی، بیگانه زدائی و دشمن ستیزی، اجنبی زدائی و کفر ستیزی، اسلام دوستی و انسان نوازی و ده‌ها و صدها دلایل دیگر از این قبیل وجود دارد که مردم در این وادی

بزرگ همانند برادری می‌مانند و زندگی کرده‌اند که رابطه متقابل و دوستی توأم با محبت آنها فقط و فقط برای دشمنان ما قابل تحمل نبوده و نیست!

جانب صحبت من هم دشمنان اسلام و نقشه‌های آنهاست که با میکائیزم خاص تشکیلاتی و به همکاری دست پروردگان ریا کار و مزدوران اجیر شده خودشان مردم مسلمان سر زمین بزرگ را که همواره زندگی با عزتی داشته‌اند این چنین در دو سمت خط دروغین و ساختگی به نام (دیورند) به خاک و خون کشیده و می‌کشند! اگر چنانچه در جای جای این نوشتار، کلمات تند و زننده به کار رفته است، اینجانب هیچ گونه قصد و نیتی نداشته و ندارم که فرد و یا قومی را خدای ناخواسته مخاطب ساخته و عنوان کنم.

بلکه مرادم کسانی هستند که همواره در قافله انگلیسهای فتنه انگیز، و تداوم نقشه های شوم و نامیمون آنها آگاهانه استخدام شده، برادرکشی نموده و خیانت می کنند! و بالاتر که در آینده خواهند کرد!

البته این بدان معنی نبوده و نیست که قدرت های بزرگ و کوچک دیگر، تجاوز بر کشور و ستم بر مردم ما نکرده و یا دست پرورده نداشته و ندارند! و یا حداقل آب در آسیاب دشمن نریخته باشند! و یا همانند معامله گران بی خرد داخلی و یا خاک فروشان بی آبرو در خوش خدمتی با قدرتهائی که قصد و نیت سوء نسبت به کشور و مردم داشته اند هم کاسه و هم طبق نشده باشند! که وارد آن نشده و نمی شویم! اما،

نقش و فتنه پایان ناپذیر يك عده پاکستانی های وابسته به تشکیلات انگلیس در اجرای پروژه های دراز مدت و یا کوتاه مدت انگلیسها قابل دقت و تأمل است.

زیرا سابقه تاریخی، تجربه عملی، شناخت ساختاری، سیستم های آموزشی و سایر خصوصیت های اجتماعی آن وادی را مبتنی بر، برنامه تشکیلاتی که خود بنیاد گذاشته اند، هدایت و رهبری می کنند!

مضافاً امتیاز پاکستان را از زمان تسلط بر حوزه هند بزرگ از آن خود می داند. جالب تر از آن که يك عده پاکستانی های وابسته به انگلیس هم این امتیاز را برای آنها محفوظ داشته و همواره بها می دهند!

اینجانب باور دارم که وجود خط فرضی آن هم از طرف دشمنان مردم ما، باعث جدائی فی مابین افغانها و پاکستانیها نشده و نمی شود کما اینکه نشده است!

چنانچه استقبال مردم شریف و مسلمان پاکستان از مجاهدان و مهاجران کشور ما در دوران جهاد و هجرت، این مطلب را به اثبات رسانیده است. هر چند سران انگلیسی تبار آندیار همواره سوء استفاده های شان را نموده و می نمایند!

اما اینجانب دلیلی نمی بینم که مردم دو طرف خط را جدای از هم دانسته و سنگ به هاون بکوبم! زیرا این خود نقشه آنهاست!

البته این مطلب برای همه ما ها اعم از افغانها و پاکستانی اهمیت دارد که فهمیده قربانی چیزی شده و می شویم که دشمنان فکر می کنند ما نمی فهمیم!

حسن و زیبایی این سرنوشت توأم با مصیبت در همین است که مردم ما می فهمند و کشته می شوند. به قول اولوریوا خبرنگار، نویسنده کتاب (اسلام و نوگرانی های سیاسی...) و صاحب نظر مشهور فرانسوی در امور قضایای سیاسی افغانستان و شوروی که می گوید:

(ملت افغانستان ملتی است شهید و آگاه که همیشه و همه وقت حرف نو برای زدن دارند.)

نامبرده سالها قبل از امروز در دوران جهاد بناء به دعوت خبرنگاران و ژورنالیستان ایرانی در مرکز تحقیقات وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران واقع در حوالی خیابان کریم خان زند به تهران آمده بودند و پیرامون شوروی شناسی صحبت می نمودند که بنده هم حضور داشتم .

و به عنوان يك افغان مهاجر دلیل اینکه مبنای تعریف شان در رابطه با ملت افغانستان و برداشت شان از شهید و حرف تازه و نو آنها چگونه است را از خود ایشان جویا شدم، نامبرده فوق العاده خوشحال شد و گفت: (بدون استثناء من با هرکسی از شما افغانها چه در داخل افغانستان و چه در خارج افغانستان اعم از کارگران، دهقانان، چوپانها، روشنفکران، رهبران سیاسی حتی سران اقوام و قبایل صحبت کردم همگی طوری قضایا را می دانستند و به تحلیل می گرفتند که من فکر می کردم ایشان بهترین و خوب ترین راه را می گویند! و جالب تر این بود که اکثراً حرف نو برای گفتن داشتند!)

اینجانب به عنوان کسی که در محافل عمومی و مناسبت های اجتماعی، تاریخی، سیاسی من جمله ایام عزاداری سرور شهیدان امام حسین(ع) سخنرانی و گاه گاهی هم قلمی و تحلیلی ارائه می دهم طبیعتاً با طبقات مختلف سرو کار دارم.

و قتی پای صحبت جوانان معمولی و یا پیرمردی که با هیچ يك از احزاب سیاسی و یا شبکه های اطلاعاتی و امثال آنها رابطه نداشته و ندارد، اما تجربه زندگی بین اقوام و قبایل را دارند می نشینم و گوش به صحبت های بدون ریا و به دور ازدغدغه و هم چنان تحلیل های واقع گرایانه آنها به زبان خودشان می دهم، می بینم که عمیق ترین زد و بندهای سیاسی دولتها، قدرتها، حتی افراد و اشخاص حقوقی و حقیقی را می دانند. جالب این است که بیشترین آنها هم عمق ستراتیژی سیاست مداران پشت پرده پاکستان و هم شیطنت سیاستمداران انگلیس و نقش آنها را در رابطه با تشکیلات سیاسی دولت مداران پاکستانی ها دانسته و می دانند !

بناءً تصمیم گرفتم که پیرامون باور اکثریت مردم ما نسبت به مردم شریف و انسان دوست پاکستان و سیاست آن پای صحبت بزرگان و صاحب نظرانیکه عمرشان بیشتر از عمر پاکستان است بنشینم. تا چگونگی فعل و انفعالات قضایای سیاسی و زد و بند های نخستین روزهای تشکیل کشوری به نام پاکستان را از زبان آنها شنیده و سپس برای شما خوانندگان عزیز تحریر و تقدیم نمایم!

این جانب بارها و بارها مطالب را از زبان بزرگانی که هم یاد خودشان می آمد و هم از زبان پدران شان شنیده بودند، شنیده و می نویسم.

پدرم که رحمت خدا بر او باد، خود صد سال قبل از امروز را درك کرده بودند بارها و بارها چشم دید خودشان و هم چنان پدرشان را پیرامون قضایای انگلیسها و پاکستانی ها و اینکه چگونه با پاکستانی های انگلیسی تبار می جنگیدند می گفت. او می گفت: یکی از مشکلات همیشگی ما این بود که پاکستانی ها را از انگلیس و انگلیس را از پاکستانی فرق نمی نمودیم. ایشان جریان درگیری و جنگ با انگلیسها را در جلال آباد و اینکه چگونه با انگلیسها درگیر شدند و طی سه شبانه روز ارتباط شان با پشت جبهه خودشان قطع شده بود می گفت، علاوه بر اینکه ارتباط ما با پشت جبهه قطع شده بود و گلوله هم نداشتیم مضافاً پنج روز بود که چیزی نخورده بودیم جز مقداری کشمش! اما انگلیسها را آنچنان ذلیل و زبون نموده بودیم که جرأت نداشتند سربلند کنند! یکی از خاطراتی که همواره میگفت:

جریان مخالفت سران افغان علیه عبدالرحمن پادشاه وقت، آن هم در محفلی که به خاطر دادن امتیاز جلال آباد به انگلیسها ترتیب داده شده بود. تا تفاهم نامه بین کرنیل ها و جرنیل های انگلیسی با افغانها به تصویب برسد. اما

افغانها به خصوص پشتونها بدون توجه به اینکه ایشان پادشاه مملکت هستند به خاطر کشور شان پادشاه وقت را مورد حمله قرار داده و گفتند هیچ کسی اجازه ندارد که در رابطه با خاک و کشور ما با کسی معامله نمایند! سران افغانهای هردو طرف خط آن چنان تنفر شان را نسبت به انگلیسها نشان دادند که جلسه عملاً تعطیل و تفاهم منتفی گردید زیرا نمایندگان انگلیس دیدند که افغانها جدی و مصمم علیه پادشاه شان عکس العمل نشان می دهند چه رسد به ما!

به هر صورت مطالب زیر، علاوه بر مطالعه و بررسی میکانیزم ساختاری انگلیسها و پاکستانیها در رابطه با افغانستان، فعل و انفعالات انجام شده ایست که در روشنائی گفتار شخصیت های سیاسی دوستان و آشنایان من جمله برادر بزرگوارم جناب محترم آقای دکتور عبدالرؤف عاکف فوق تخصص جراحی عمومی که حدوداً پنجاه سال قبل از امروز در پاکستان بوده و نخستین روزهای تشکیل پاکستان را کاملاً درک کرده اند. مضافاً تجربه مدیریت جریده ظفر الاسلام را در پاکستان به دوش داشته اند، استفاده شده و به رشته تحریر در آمده است تا نسل جدید و جوان کشور را کمکی باشد!

امیدوارم مورد استفاده مردم ما و صاحب نظران امور واقع گردد. اگر چنانچه مشکلات و نارسائی هائی در آن مشاهده می کنند با بزرگواری و محبت شان عفو بفرمایند.
اجرکم علی الله

تذکر:

خوانندگان عزیز:

مطالب تحریر شده در دست مبارک شما کلیات ستراتیژی انگلیس و پاکستان است که طی شصت و چهار سال متمادی اعمال گردیده و می رود که موقعیت انگلیسها را در منطقه احیاء کند. اگر چنانچه عمر باقی بود و توفیق عنایت الهی میسر گردید، پیرامون فعل و انفعالات انجام شده و زد و بند های سیاسی، نظامی و اقتصادی زمان مقاومت و طرح های از قبل برنامه ریزی شده پیرامون کشور ملت ما مطالب جداگانه ای خدمت شما سروران عزیز تحریر و تقدیم می نمایم. اگر چه مطمئن هستم که هر یک از شما مطالب را بهتر و ظریف تر از آن چنانی که من می دانم درک نموده و می نمائید. انشاء الله علاوهً متذکر می شوم که طرح پشت جلد[*]، یکی از چند پوستری است که توسط بخش فرهنگی امت اسلام مکتب توحید در ماه حمل سال ۱۳۵۹ چاپ گردیده است.

مهم تر اینکه در آن پوستر نشان داده شده است که دشمنان دیرینه و تاریخی ملت مسلمان ما افغانستان با استفاده از سر سپرده های پاکستانی شان در بی نهایت افغانستان را مورد حمله قرار داده و خواهند داد! و اینکه سر سپرده های انگلیسی تبار و یا هر قدرت دیگر این خیانت تاریخی را نسبت به کشور و ملت ما انجام داده و یا می دهد هیچ ربطی به ملت مسلمان و برادران پاکستانی ما ندارد. از عموم برادران و خواهران امیدوارم در این قسمت اشتباهات و نارسائی هایم را اصلاح نموده همکاری نمایند. از همه شما متشکرم.

یادداشت:

[*]

این سلسله مقالات برای بار اول تحت همین عنوان به صورت کتاب در داخل کشور چاپ شده است که در واقع نشر مجدد آن در پورتال با ویراستاری جدید به مثابه چاپ دوم آن مجموعه به شمار می آید. آن جایی که نویسنده به معرفی طرح پشت جلد می پردازد، به همان چاپ اول این سلسله تعلق می گیرد.

با عرض حرمت

اداره پورتال AA-AA